

تحلیل مؤلفه‌های صدا، هویت و عاملیت در داستان عرس الزین با تکیه

بر نظریات فرودست پسااستعماری اسپوواک

نوع مقاله: پژوهشی

آزاده قوامی^۱، اشرف چگینی^{۲*}، علیرضا قوجه زاده^۳

۱. دانشجوی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد ورامین،

پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد ورامین، پیشوا،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد ورامین، پیشوا،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۳

چکیده

نقد پسااستعماری رویکردی مهم در حوزه مطالعات فرهنگی و ادبی است. اسپوواک^۱ بنیانگذار نظریه فرودست پسااستعماری، با مطالعه روش‌های استعمار نو و استثمار داخلی و تأثیر آن بر جوامع جهان سوم، به معرفی شیوه‌ها و عواقب و عوارض آن پرداخته است. اسپوواک معتقد است حفظ و اشاعه سنت‌ها و تعصبات پنهان و آشکار قومی و جنسیتی در نظام دیرپای مردسالاری، یکی از شیوه‌های مهم و متداول سلطه‌گران داخلی به منظور عقب‌مانده نگه داشتن جوامع ستم دیده محسوب می‌گردد. وی یکی از معدود متفکرانی است که به اهمیت حضور روشنفکران در زندگی فروستان تاکید می‌ورزد. در این پژوهش به روش توصیفی — تحلیلی، داستان عرس الزین، اثر طیب صالح، نویسنده بومی‌نویس سودان، به عنوان متن پسااستعماری، براساس برخی نظریات اسپوواک درباره فرودستان، بررسی می‌گردد. صالح داستان مورد نظر را در آستانه سال‌های نخستین استقلال و شکوفایی نسبی کشور سودان، ساخته و پرداخته است. به همین سبب در این مقاله سعی بر آن است تا اثبات گردد صالح می‌کوشد چگونگی نقش موثر صدا و عاملیت روستائیان را در بیداری و شکل‌گیری جنبش‌های آزادی‌بخش در میان گروه خاص فرودستان به تصویر کشد. نتایج نشان می‌دهد صالح در خاتمه داستان با دیدی خوشبینانه و قابل تأمل و با ارائه تمثیلی نمادین، برقراری ارتباط اخلاقی را در جامعه فرضی روستای‌اش، امکان پذیر جلوه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: طیب صالح، عرس الزین، اسپوواک، هویت، صدا، عاملیت.

- مقدمه

ادبیات پدیده‌ای پویاست که پیوند ناگسستنی با رویدادهای اجتماعی جوامع انسانی دارد. این ارتباط زمینه مناسبی را برای بررسی متون ادبی به ویژه از منظر رهیافت پسااستعماری فراهم کرده است: «این نظریه بر مداری است که فرهنگ، سیاست و هنر را به یکدیگر پیوند می‌دهد.» (شاهمیری، ۱۳۸۹: ۱۵۱). خوانش آثار برجسته ادبی بر مبنای نظریه‌های پسااستعماری: «گویای تعهد ادبی آثار و زوایای مختلف متون در کشاکش سلطه‌گری و دیدگاه نویسنده اثر در مقام عنصری مهم از جامعه ادبی و فرهنگی هر کشور است.» (حاجتی، ۱۳۹۴: ۱۴۴). اسپوواک و همفکرانش بنیانگذار شاخه‌ای از نقد پسااستعماری، موسوم به «مطالعات فرودستان» هستند.

اسپوواک با تأکید بر فرودستی مضاعف زنان در محیط خانواده و جامعه معتقد است: «هیچ فضایی وجود ندارد که سوژه‌ی فرودست جنسی بتواند از آنجا سخن بگوید و فرودست به عنوان زن نمیتواند شنیده یا خوانده شود.» (اسپوواک، ۱۳۹۷: ۱۰۵-۱۰۶). بر این اساس: «متون ادبی می‌تواند برای احقاق حقوق و شنیده شدن صدای فرودستان به ویژه زنان تبدیل شود.» (سن سبلی، ۱۳۹۵: ۵۶). اسپوواک، تعصبات آشکار و پنهان جنسیتی، به ویژه سنت «مردسالاری» را یکی از پیش زمینه‌های سلطه‌گری استثمارگران داخلی بر زندگی فرودستان به ویژه زنان جوامع جهان سوم می‌داند. به نظر وی، فرودستان واجد آگاهی اجتماعی و سیاسی جامعه‌ی خویش نیستند و این حقیقت، اهمیت حضور روشنفکران را در زندگی فرودستان انکارناپذیر می‌سازد. طیب صالح بومی‌نویس عربی - آفریقایی و ادیبی متعهد است که بسیاری از داستان‌های کوتاه و بلند خود را در دوران پس از استعمار سودان خلق نموده است. به همین سبب در این مقاله سعی بر آن است با توجه به نظریات اسپوواک، اثبات گردد که طیب صالح در روایت عرس‌الزین نه تنها به بازنمایی درد و رنج فرودستان به ویژه زنان پرداخته بلکه با تأثیرپذیری مثبت از موقعیت تاریخی و سیاسی سال‌های نخستین استقلال سودان، نقش مهم شخصیت‌های بومی و روشنفکر داستان را در بیداری و شکل‌گیری تدریجی جنبش‌های فرودستان علیه فرادستان داخلی آشکار نموده است. روشنفکرانی که در نقش‌ها و ظواهر متفاوت و با تأثیرپذیری از هویت‌های متفاوت دینی، فردی و اجتماعی خود به عاملیت بالا در این زمینه دست یافته‌اند.

صالح در پایان روایت عرس الزین، با دیدگاهی خوش‌بینانه و قابل تأمل تمثیلی نمادین از ازدواج دو شخصیت متفاوت داستان ارائه می‌دهد تا به موازات برقراری یک ارتباط اخلاقی میان حاضران در این مراسم، وجود این ارتباط را در سطح گسترده تر و در سیاست آینده سرزمینش امکان پذیر جلوه دهد.

- سؤالات تحقیق:

- طیب صالح در سیر رخدادهای تدریجی روایت عرس الزین تلفیق چه مؤلفه هایی را، زمینه ساز شکل گیری جنبش های آزادی بخش در میان گروه های خاص فرودستان روستایی، قلمداد می‌کند؟
- با توجه به راهکارهای اسپوواک، طیب صالح با چه اهداف مشترکی، به مبارزات پراکنده شخصیت های اصلی داستان مورد نظر، انسجام و یکپارچگی بخشیده است؟
- تصویرسازی نمادین نویسنده از آینده ی جامعه ی روستایی در خاتمه داستان چیست؟

- فرضیات:

— به نظر می‌رسد، طیب صالح تلفیقی از نشانه های ایمان فطری و خدادادی، به همراه کسب آموزه ها و تعالیم ناب دینی را، نخست در تغییر هویت فردی و اجتماعی شخصیت های روشنفکر و بومی داستان مؤثر دانسته و سپس نقش آنان را در ایجاد توان تحول در دیدگاه های فرودستان و در پی آن، عاملیت شکل‌گیری جنبش های آزادی بخش در میان این گروه مهم و مؤثر می‌داند.

— با توجه به نظریات اسپوواک طیب صالح با اهداف مشترکی همچون: مبارزه با فرودستی مضاعف زنان در نظام مرد سالاری و مقاومت علیه نابرابری حقوق ارباب و رعیت، فقیر و غنی و مذهبی و غیرمذهبی، به جنبش های محلی و پراکنده روشنفکران و به دنبال آن فرو دستان، به عنوان شبکه‌ای از ردپاها و نشانه‌ها انسجام بخشیده است؛ و در نهایت برقراری ارتباط اخلاقی سیاسی را در جامعه فرضی روستایی خود، تنها از این طریق آن هم به شکل تدریجی و مستمر امکان پذیر می‌داند.

— به نظر می‌رسد در خاتمه داستان، توصیف هنرمندانه‌ی طیب صالح از مراسم ازدواج نمادین دو شخصیت متفاوت داستان عرس الزین که با تأثیرپذیری مثبت از موقعیت زمانی و تاریخی خلق این اثر در دوران شکوفایی پس از استقلال کشور سودان ساخته شده، تمثیلی نمادین و خوشبینانه از آینده‌ی جامعه‌ی روستایی است. ویژگی‌های این ازدواج استثنایی نمونه‌ای بارز از امکان برقراری ارتباط اخلاقی در سیاست جوامع ستم دیده است که از دیدگاه اسپیواک امری دشوار و زمان بر تلقی می‌گردد.

— پیشینه تحقیق:

درباره آثار طیب صالح نویسنده واقع‌گرای سودانی پژوهش‌های متعددی در حوزه مطالعات و نظریات پسااستعماری صورت پذیرفته است. از جمله این مقالات مقاله زهرا سلطانی و زینب دهقانی است با عنوان «گفتمان پسااستعماری در دو رمان موسم الهجرة الى الشمال از طیب صالح و سووشون سیمین دانشور» که در آن به بررسی تطبیقی این دو اثر از حیث نحوه بازتاب استعمار پرداخته شده است. مقاله دیگر «مقایسه تحلیل جلوه‌های پسااستعماری در رمان‌های موسم هجرت به شمال طیب صالح و سووشون سیمین دانشور است که در آن رضا ناظمیان و مریم شکوهی‌نیا، به بررسی پیامدهای استعمار در ایران و جهان عرب پرداخته‌اند. همچنین محمدی و همکاران در مقاله «تحلیل کارکرد زبان و آموزش استعمارگر در گفتمان پسااستعماری «موسم الهجرة إلى الشمال» بر اساس نظم‌های سه‌گانه لاکان» معتقدند دوره پیش از آشنایی قهرمان داستان/مصطفی سعید با زبان انگلیسی و ورود به مدرسه‌های استعماری برای آموزش، ساحت خیالی نظریه لاکان را تشکیل می‌دهد که در آن مصطفی با مادر اصلی و نمادین (آفریقا) پیوندی عمیق دارد.

خوانش پسااستعماری رمان موسم هجرت به شمال اثر طیب صالح پژوهش دیگری است که کمال باغجری و شهریار نیازی در این تحقیق، به تحلیل مفاهیمی از قبیل من / دیگری (مرکز و حاشیه)، دو رگه بودگی، نژاد، اروپا محوری و جنسیت در متن روایی موسم الهجرة الى الشمال پرداخته‌اند.

از معدود مقالاتی که در آن داستان عرس‌الزین مورد بررسی و تحلیل واقع شده، «نگاهی به مجموعه داستان عرس‌الزین» اثر یاسمین چگینی است که در آن هر ۳ داستان این مجموعه

داستانی، مورد بررسی قرار گرفته و نقش پررنگ مردان و عدم حضور یا حضور کم‌رنگ زنان در این ۳ داستان بازنمایی شده است.

در مقاله سکینه بناساز با نام «شخصیت‌پردازی در رمان عرس الزین طیب صالح» در دو حوزه توصیف مستقیم و غیرمستقیم، یعنی از زاویه دید دانای کل و گفت‌وگو، کنش و ایجاد ارتباط بین عملکرد اشخاص داستان با اسم‌های خاص، سخن به میان رفته است. اما در هیچ یک از پژوهش‌های صورت پذیرفته بر این اثر برجسته، نظریات پسااستعماری مورد نقد و بررسی واقع نشده است. به همین سبب، در این مقاله، سعی نگارنده بر این است که این داستان براساس برخی از دیدگاه‌های پسااستعماری - فمینیستی اسپواک دربارهٔ فرودستان مورد خوانش و بازبینی قرار گیرد.

- اسپواک و رویکرد فرودست پسااستعماری

نظریهٔ پسااستعماری از اواخر دههٔ هفتاد (پس از انتشار کتاب شرق‌شناسی ادوارد سعید) در سال ۱۹۷۸ به عنوان نظریه‌ای انتقادی به رسمیت شناخته شد. وی از منطری متفاوت به موقعیت شرق و عملکرد غرب پرداخته است. پس از آن تحقیقات دربارهٔ این نظریه با مطالعات متفکرانی همچون هومی‌بابا و گایاتری چاکراورتی اسپواک با تأکید بر مشکلات افراد درجه دوم جامعه، تحت عنوان فرودستان (subaltern) ادامه یافت. فرودست در معنای تحت‌اللفظی خود، مقولهٔ کسانی است که به لحاظ موقعیت در جایگاه پایین‌تر قرار دارند.

«واژهٔ فرودست را نخستین بار آنتونیو گرامشی^۲ مارکسیست ایتالیایی در کتاب دفتر یادداشت‌های زندان به کار برد. او این واژه را در اشاره به گروه‌های اجتماعی زیر دست و در معنای «متعلق به مرتبهٔ فروتر» به کار گرفت.» (شاهمیری، ۱۳۸۹: ۱۴۲-۱۴۱). «مسئلهٔ فرودست زمانی در نظریه پسااستعماری به یک اصل بدل شد که اسپواک در مقاله‌ای با نام «آیا فرودست می‌تواند سخن بگوید؟» (۱۹۸۳) به پیش‌فرض‌های گروه مطالعات فرودست انتقاد کرد.» (همان: ۱۴۶). این مقاله نقطه عطفی برای مطالعات فرودستان محسوب می‌گردد. «اسپواک در مورد فرو دست به طور کلی صحبت می‌کند، اما به زن هندی به عنوان نمونه ای از انسان فرو دست اشاره می‌کند و تحلیل درخشانی از سنت ساتی (خود سوزی زنان بیوه هندی بعد از مرگ شوهر) ارائه می‌دهد. او علاوه بر ساتی، به پیچیدگی تفوق بعد جسمانی در مسئله‌ی زن اشاره

می‌کند.» (کریمی، ۱۳۹۷: ۹) تأکید اسپيواک بر مشکلات زنان فرودست از آنجا نشأت می‌گیرد که معتقد است: «در درون خط سیر محوشده‌ی سوژه‌ی فرودست، مسیر تفاوت جنسیتی به صورت مضاعف حذف می‌شود... بر ساخت ایدئولوژیک جنسیت، هم به مثابه ابژه‌ی تاریخ نگاری استعماری و هم به مثابه سوژه‌ی شورش، مردان را مسلط می‌سازد، اگر فرودست در بافتار تولید استعماری هیچ تاریخی ندارد یا نمی‌تواند سخن بگوید، زن فرودست حتی عمیق‌تر از (مرد فرودست) در سایه قرار می‌گیرد.» (اسپیواک، ۱۳۹۷: ۵۵) مطالعات اسپيواک و همفکرانش، خود در دو حوزه ترسیم می‌شوند، که سیاست و اقتصاد و جامعه‌شناسی گروه فرودست جنبه آشکار آن است و ایدئولوژی، اعتقادات و باورها و فرهنگ‌هایی که زمینه‌ساز این وضعیت هستند، جنبه مخفی و پنهان آن است.

یکی دیگر از شاخصه‌های رویکرد فرودست پسااستعماری اسپيواک، تمرکز بر نقش نخبگان و روشنفکران بومی در بیرون کشیدن صدای تضعیف شده‌ی فرودستان و شکل‌گیری جنبش‌های آزادی‌بخش مردمی در بستر متون ادبی است.

- طب صالح و داستان عرس‌الزین

طیب محمد صالح احمد^۳ برخلاف نویسندگان و تاریخ‌نگارانی که گرایشات مارکسیستی داشته و نسبت به رسم و رسوم مردم فرودست و تجربه‌ی زندگی‌شده‌ی ادیان (به ویژه دین اسلام) بی‌تفاوت بودند، احیا و پیروی از اعتقادات و باورهای ناب و مثبت دینی - مذهبی را در آگاهی‌بخشی و رستگاری قشر فرودست امری ضروری و لازم می‌داند.

شخصیت‌های کنشگر و مثبت داستان عرس‌الزین به جز زین با خودآگاهی از طبقه اجتماعی خود هر یک به شکلی متفاوت و ویژه در جایگاه نمایندگان بومی روستایان، هم بیانگر دردها و رنج‌های آشکار و پنهان طبقات فرودست هستند و هم، عاملانی برای بیداری و رستگاری فرودستان و بهبود اوضاع خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی آنان به حساب می‌آیند. در داستان مورد نظر حنین یک راهب و مرتاض است او در پی حمایت از زین مردی که مردم او را دیوانه می‌پنداشتند و با ارشاد سیف‌الدین، مردی سرکش، بی‌اعتقاد و منفعل که در جریان حادثه‌ای شگفت‌انگیز از نو متولد می‌شود، آغازگر تحولات معجزه‌آسا در دهکده می‌گردد. پس از آن در این دهکده ابتدایی و ساده که مردم جز کار و زحمت تفریح دیگری نداشتند، آرام‌آرام

احزاب و اردوگاه‌هایی تشکیل می‌شود، امام جماعت به عنوان فرادستی ریاکار و مذهبی‌نما بر روح و روان مردم دهکده حاکم می‌شود، و بدین ترتیب گروهی به امام جماعت می‌پیوندند و عده‌ای روشنفکر همچون کمیته محجوب و یارانش به شکل پنهان و نه علنی در صف مخالفان امام جماعت قرار می‌گیرند. اما مهم‌ترین و عجیب‌ترین اتفاق داستان، ازدواج زین با نعیمه مستقل‌ترین و شایسته‌ترین دختر روستا است. صالح با توصیف ازدواج شکوهمند و استثنایی نعیمه و زین این پیوند نوظهور را، برجسته‌ترین اتفاق و از نتایج جنبش‌های پراکنده و تدریجی می‌داند که از دل مردم برخاسته‌اند.

- تعریفی از مؤلفه هویت و اقسام آن، پیوند خوردگی هویت فردی و اجتماعی شخصیت‌ها با دو مؤلفه صدا و عاملیت

یکی از کهن‌ترین پرسش‌های بشر که همواره مورد توجه متفکران بوده و پاسخ‌های متفاوتی نیز به آن داده اند این است که انسان از خود می‌پرسد، من کیستم؟ پاسخ به این سوال ما را با مفهوم هویت اصلی انسان آشنا می‌سازد. این واژه مانند بسیاری از واژگان، در حوزه نظریات و علوم تخصصی، معانی متفاوتی به خود می‌گیرد. اما به شکل تحت الفظی و عمومی: «هویت مفهومی است که دنیای درونی یا شخصی را با فضای جمعی، اشکال فرهنگی و روابط اجتماعی ترکیب می‌کند.» (رهبری، ۱۳۸۵: ۷۷).

هویت به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: هویت فردی و هویت اجتماعی.

الف: هویت فردی در مجموع به نوعی آگاهی اطلاق می‌گردد که هر فرد در فرایند اجتماعی شدن و تعامل با دیگران درباره ی خود کسب می‌کند. این خودآگاهی واسطه ی بین دنیای بیرونی و درونی فرد است و در هر تعاملی رابطه شخص را با خود و دیگران تنظیم و کنش-هایش را تعدیل می‌سازد.

ب: هویت اجتماعی به منزله شخصیت برای یک فرد است و به رابطه بین خود و دیگران (گروه های اجتماعی) اشاره دارد.

«هویت در قالب ترکیبی از بینش‌ها، گرایش‌ها، تصمیمات، اعمال مداوم (فردی و جمعی) و آثار تدریجی آنها در درون خود فرد شکل می‌گیرد.» (قافله‌باشی، ۱۳۹۷: ۴)

هدف منتقدان پسااستعماری: «فروپاشیدن روایت‌های کلان و محوری تاریخ، فرهنگ و جامعه است و ایجاد آمیزه‌ای متکثر و گسترده از جهان‌بینی‌ها، هویت‌ها و فرهنگ‌های تکه‌تکه شده.» (شاهمیری، ۱۳۸۹: ۱۳۱-۱۳۲). در این میان هویت افراد با مقوله خود/دیگری در حوزه‌ی رویکرد فرودست پسا استعماری، تقابل معناداری یافته است. هویت در واقع وجه تمایز میان من، ما با دیگری است که این دیگری در اشکال متفاوت مثل رقیب، دشمن و مخالف ظاهر می‌شود و در مقابل هویت قرار می‌گیرد. در حالی که ادوار سعید در مقدمه کتاب شرق شناسی استدلال کرد که شرق یکی از عمیق ترین و پریسامدترین صور "دیگری" نزد اروپاییان است، اسپوواک کوشیده است تا این دوگانگی بی انعطاف خود/ دیگری را متزلزل سازد تا بتواند پاسخ اخلاقی به زندگی مردم ستم دیده جهان سوم بدهد. چنین کوشش متفکرانه ای بسیار طاقت فرسا و دشوار است و بدین سبب اسپوواک اخلاق را تجربه ناممکن می خواند. (اسپوواک، ۱۹۹۵: ۷)

– مفهوم مؤلفه صدا

تحلیل اسپوواک از صدا همان صدای فرودستان است. وی معتقد است: «در قرون اخیر و در جوامع جهان سوم به ویژه کشورهای آسیایی، صدای فرودستان از سوی حکومت‌های استبدادی شنیده نشده است بدین معنا که قدرتمندان داخلی یا به نیازهای ضروری و واقعی زنان و مردان، کشاورزان و کارگران پاسخ نمی‌گویند یا با کم‌ترین پاسخ‌ها به استثمار خود ادامه می‌دهند به همین سبب وی در مقاله خود "آیا فرودست می‌تواند سخن بگوید؟" خواهان تغییر در موضعی است که صدای استعمارگر و روشنفکر در مرکز توجه قرار داده شده است و خواهان شنیده شدن صدایی است که غالباً از متون حذف شده است.» (مورتون^۲، ۱۳۹۲: ۵۸)

— مفهوم عاملیت و پیوندخوردگی آن با هویت در داستان عرس الزین

در علوم اجتماعی عاملیت یا **agency** به مفهوم ظرفیت اشخاص برای کنش اجتماعی مستقل و ساخت انتخاب های آزاد خود می باشد. در مقابل، ساختارها، عوامل موثری نظیر طبقه اجتماعی، دین، جنسیت، قومیت و... هستند که عامل و تصمیماتش را تعیین یا محدود می کند. «عاملیت اشاره به قدرت عمل و یا انجام عملی دارد و این اصطلاح در نظریه معاصر، بر این سؤال متکی است که آیا افراد می توانند، آزادانه و با استقلال، عملی را انجام دهند.» (سن سبلی به نقل از اشکروفت^۵، ۱۳۹۵: ۶۲).

— عاملیت از منظر اسپواک

اسپواک یکی از معدود متفکران پسااستعماری است که بر عاملیت فرودستان در شکل گیری مبارزات آزادی بخش تاکید و تمرکز دارد. وی معتقد است: «نخبگان غربی همواره جنبش های رعیتی را به صورت حرکت های خودجوش، خشونت گرا و عاری از محتوا و سازمان دهی بازنمایی کرده اند و اغلب اوقات نمی توان عاملیت سیاسی گروه های فرودست از این ویژگی برساخته ی نخبگان را تشخیص داد.» (اسپواک، ۱۳۹۲: ۸۳-۸۴) اسپواک با جابجا کردن نظرگاه انتقادی از جنبش آزادی بخش ملی هندوستان به تمرکز بر "عاملیت" و جنبش های اجتماعی گروه های خاص فرودست، ما را به سمت این انگاره سوق می دهد که عاملیت تغییر در جنبش های آزادی بخش در بین فرودستان جای دارد. (مورتون؛ ۱۳۹۲: ۸۶). او در کتابی به نام "نقشه های خیالی"^۶: «پایه حرکت دشوار تدریجی اخلاق به سیاست را پیش زمینه مبارزات واقعی هر روزه ی جوامع فرودست برای تبدیل شدن به شهروندان آگاه و با حقوق مشخص سیاسی قرار می دهد.» (اسپواک، ۱۳۹۲: ۷۲)

— تحلیل عاملیت شخصیت ها در داستان عرس الزین

طیب صالح نیز در داستان عرس الزین در روند حوادث داستان، به توصیف موشکافانه ی ذهنیت، هویت (فردی و اجتماعی) و در پی آن عاملیت و جنبش های اجتماعی شخصیت های اصلی داستان پرداخته است، شخصیت هایی همچون: زین با فطرتی پاک و خدادادی، حنین عارفی پیشگو، نعیمه یگانه زن مذهبی و نوگرای روستا و محبوب و اعضای کمیته بانفوذ او. بسیاری از این شخصیت های روشنفکر و بومی از میان زنان و مردان طبقه ی متوسط و فرودست جامعه روستایی برخاسته اند. این عاملان عموماً در رویارویی با مشکلات جامعه و مقابله با قدرتمندان داخلی، کنشی اجتماعی و متمایز از دیگران، از خود بروز داده اند. نخست هویت درونی آنها چه به شکل ناخودآگاه، فطری و چه از سر آگاهی و کسب تعالیم دینی و اجتماعی و راهنمایی های مستمر و صبورانه ی رهبری دینی دچار تحول گردیده؛ و سپس زمینه احیای هویت فردی و آرمانی آنها فراهم شده است. حاصل این فرایند توانمندی این گروه در ایجاد تحول در دیدگاه های شخصیت های فرودست داستان و تبدیل کردن آنان به افرادی مستقل، آگاه و مبارز بود.

هر یک از این روشنفکران و شخصیت های بومی با وجود موقعیت اجتماعی و هویت فردی متفاوت اما به دلیل اعتقادات دینی و مذهبی مشترک، عاملیت رهبری و یکپارچه کردن جنبش های فرودستان را به عهده گرفته داشتند، جنبش هایی که به شکل پراکنده اما هر روزه و تدریجی برای کسب حقوق فردی و اجتماعی شان صورت می پذیرفت.

هدف مشترک این افراد ریشه کن شدن تدریجی مسائل و مشکلات فرودستان، همچون: تقابل غنی و فقیر (ارباب و رعیت)، مذهبی و غیرمذهبی به ویژه تقابل زن و مرد در نظام خشونت بار مردسالاری بود. صالح در خاتمه روایت با توصیف مراسم ازدواج شکوهمند دو شخصیت متفاوت (زین و نعیمه)، تمثیلی نمادین از برقراری یک ارتباط اخلاقی، در درون جامعه روستایی (که از دید اسپیواک کسب چنین تجربه ای دشوار و تدریجی است) ارائه می دهد.

از ویژگی های این ازدواج، روابط مسالمت آمیز و دوستانه میان حاضران، در محیطی آزاد بود زیرا هر یک از آنان در هر طبقه و با هر جنسیت و هر درجه از اعتقادات دینی و مذهبی، خود را ملزم به رعایت حقوق دیگران (اخلاق اجتماعی) می دانست تا مراسم جشن و شادی به بهترین صورت ممکن برگزار گردد. توصیف صالح در خاتمه داستان از این مراسم استثنایی ما

را به این دیدگاه خاص اسپيواک رهنمون می سازد که عاملیت برقراری چنین ارتباط اخلاقی، از نتایج جنبش های تدریجی گروه خاص فرودستان است.

- تقابل سنت و تجدد - بازنمایی تلفیقی از کنش پذیری و کنشگری

شخصیت ها در داستان عرس الزین

در ادبیات عصر حاضر به ویژه در دوران پسااستعماری، تقابل سنت و تجدد شرایطی را فراهم آورده، تا در آثار نویسندگان بومی نویسنده جوامع ستم دیده، موضوع انفعال (کنش پذیری) و عاملیت (کنشگری) فرودستان به ویژه زنان نمود بیشتری یابد.

صالح نیز از جمله نویسندگانی است که داستان عرس الزین را به مثابه ابزاری برای بیان مشکلات و مسائل زندگی فرودستان به ویژه زنان روستایی در کشاکش فرهنگ سنتی و رسمی مردسالار با فرهنگ متجدد پسااستعماری - فمینیستی به کار می گیرد.

اسپیواک جامعیت واژه فرودست را برای توصیف زنان و مردان ستم دیده چنین بیان می کند: «من کلمه فرودست را به یک دلیل دوست دارم و آن این است که این کلمه حقیقتاً موقعیت مدار است و تبدیل به کلمه ای شده که تن به تحلیل خشک طبقاتی نمی دهند. این کلمه را دوست دارم چون مشمول محدودیت های هیچ نظریه ای نمی شود.» (اسپیواک، ۱۳۹۲: ۷۶)

اسپیواک کاربرد مارکسیسم سنتی را در عملکرد تاریخ نگاران مطالعات فرودستان مورد انتقاد قرار می دهد و آن را خشک و بی انعطاف می داند: «این الگو، هیچ روایتی از زندگی و مبارزات دیگر گروه های ستم دیده، مانند رعیت روستایی، زنان و گروه های بومی ارائه نمی کند.» وی با تمرکز بر عاملیت و جنبش های اجتماعی گروه های خاص فرودستان علیه قدرتمندان معتقد است: «شاید چنین رویارویی هیچ تأثیر مستقیم سیاسی یا اقتصادی بر دولت نداشته باشد؛ اما بدون شک خالی از عاملیت و معنای سیاسی نیستند.» (همان: ۸۶)

زین یکی از شخصیت های محوری و اصلی داستان صالح است. شرح موقعیت زندگی و شرایط ویژه جسمی و روحی او به گونه ای است که مشمول واژه انعطاف پذیر و موقعیت مدار فرودست اسپيواک می گردد. زین در این اثر پدیده ی جداگانه ای از خیل فرودستانی است که همواره از طرف نخبگان غرب گرا که ملت ها را به عنوان ساختاری منسجم و عینی بازنمایی می کنند، نادیده گرفته شده اند.

از یک سو زین یکی از زحمتکشان فقیر روستایی و کنش‌پذیری فرودست است که مردم روستا او را دیوانه می‌پندارند و به طرق مختلف مورد تمسخر و بدرفتاری واقع می‌گردد. از سوی دیگر نیز او کنشگری است که صالح به توصیف صدا و عاملیت غیر مستقیم وی علیه ازدواج سنتی میان دختران و پسران روستایی می‌پردازد. زین متفاوت‌ترین و خاص‌ترین فرودستی است که نقش ویژه اش از دید غیرغربی (بومی) و جزئی‌نگر صالح پنهان‌نمانده است. مبارزه ی زین اگر چه غیرمستقیم، تدریجی و ناخودآگاه است اما خالی از عاملیت و معنای سیاسی و اجتماعی نیست. صدا و عاملیت او با توجه به دیدگاه اسپیواک بخشی مهم در چرخه‌ی مبارزات رهایی بخش جامعه فرضی صالح و حلقه ای از: «زن‌جیره ی به هم پیوسته از نشانه و ردپاهاست.» (همان، ۷۷)

«داستان عشق زین به دختران زیبارو و دم‌بخت زبانزد خاص و عام بود. او در نوجوانی هنگامی که هنوز سیزده چهارده سال بیشتر نداشت، برای نخستین بار گرفتار عشق عزه، خوش‌لباس‌ترین و خوش‌صحبت‌ترین دختر ده شد. زین یک روز در میان انبوهی از مردم که توسط اومدا پدر عزه برای کار در مزرعه‌اش گرد آمده بودند، صدای خشن و کرکننده‌اش را بلند کرد و گفت: آهای، مردم ده، دختر اومدا عاشقی دارد، زین گرفتار عشق عزه است.» (صالح، ۱۹۶۷: ۴۵).

از آن روز به بعد مشکلات و درد و رنج زین دوچندان می‌شود. اومدا پدر عزه با سوءاستفاده از احساسات پاک زین نسبت به دخترش به او می‌گوید: اگر تا شب، سخت کار کنی: «نعرس لک عزه»: «ما عزه را می‌دهیم تا با تو ازدواج کند.» (همان: ۴۵) و کارهای دشواری به او واگذار می‌کند. پس از آن هر روز زین با یوغی به گردن و حَلَب‌های آب به دوش دائماً در حال رفت و آمد در باغ اومدا برای آبیاری بود. و تن به هر کار سخت و طاقت‌فرسایی می‌داد. زین ساده‌دل با این امید واهی که عزه را به او خواهند داد همه این سختی‌ها را صبورانه تحمل می‌کرد. اما سرانجام پس از یک ماه، همه اهل ده فهمیدند که عزه نامزد پسرعمویش که در ابو اثر به عنوان پزشک‌یار کار می‌کرد، شده است پس از چندی مجدداً زین دل به عشق حلیمه دختر یکی از اعراب بادیه‌نشین کوز داد و باز هم با صدای فریاد او مردم ده بیدار شدند که می‌گفت: «من اسیر عشق دختری هستم از مردم کوز.» (همان: ۴۶). اما طولی نکشید که حلیمه هم با پسر کدی از افراد سرشناس روستا ازدواج کرد. جالب آن که زین پس از شنیدن خبر

عروسی دختران مورد علاقه اش، بی سر و صدا، از عشق خود منصرف شده و داستان عاشقانه دیگری را آغاز می‌کرد.

صالح گاه از زبان مردم، صراحت و سادگی بیان زین را نشانه‌ای از برگزیدگی او از جانب خداوند می‌دانست: «شاید او یک رهبر افسانه‌ای بود، یا فرستاده خدا، یا شاید فرشته‌ای بود که در جلد آدمی از طرف خدا فرستاده شده بود تا یادآور بندگان مؤمن خدا باشد که قلب بزرگی می‌تواند در سینه فرورفته و مقعر شخصی مثل زین، با رفتار مضحک بتپد. بعضی‌ها می‌گفتند، خدا قدرتش را در ضعیف‌ترین مخلوقاتش نهاده است.» (شجاعی فر، ۱۳۷۹: ۵۲-۵۱).

با وجود آن که ابراز علاقه زین به دختران روستا بر شدت فرودستی (کنش‌پذیری) او می‌افزود اما چنین به نظر می‌رسد، صالح به تدریج و از همان زمان که زین نوجوانی بیش نبود به شکلی ققنوس‌وار او را از میان خاکستر آتش فرودستی که شعله‌ور از عشق ساده و پاک زین به دختران روستایی است، در شمایل کنشگری ناخودآگاه خلق می‌کند: «ازدواج دختر او و ازدواج حلیمه نقطه عطفی در زندگی زین بود، زیرا مادرهای دخترهای جوان به اهمیت او به عنوان بوقی که توجه همه را به سوی دختران آنها جلب کرده بود، پی برده بودند، در اجتماع پیرو سنت، معمولاً دخترها از نظر جوان‌ها دور می‌مانند و حق سخن گفتن و گفت‌وگو با جنس مخالف را برای گزینش همسر دلخواه و مناسب ندارند.» (همان: ۴۷-۴۸). در چنین فضای بسته و سنتی، زین با صراحت بیان خود عامل انتقال عشق شده بود. درست مثل این که او مأمور شده بود که دلال و فروشنده و پستچی عشق باشد. زبانش در حال ستایش زیبایی‌های دختران و صدا زدن اسمشان بود. بنابراین با شنیدن صدای زین گوش‌ها تیز شده و چشم‌ها متوجه به سویی که دختر زیبا حرکت می‌کرد، می‌شدند. دختران و مادرانشان به تدریج و تجربه در می‌یافتند که هر دختری اسمش بر زبان زین جاری شود، ظرف یکی دو ماه به خانه بخت خواهد رفت. نویسنده از طریق صدای زین و ابراز عشق او به دختران روستا به روش غیرمستقیم این حق را به پسران و دختران اعطا کرده تا همسر مناسب و دلخواه خود را برگزینند و یکدیگر را بهتر و بیشتر بشناسند.

هویت فردی و اجتماعی تلفیقی زین در داستان مورد نظر دائماً او را در نوسان میان کنشگری و کنش‌پذیری، قرار می‌دهد. زین به سبب داشتن احساسات پاک به دختران روستایی یکی از فرودست‌ترین شخصیت‌های داستان است که مورد ستم و ظلم واقع می‌گردد و می‌بایستی دائماً از طرف حنین و گروه محجوب پشتیبانی شود. اما در کنار آن، جایگزینی

صدای زین به جای صدای خاموش پسران و دختران و عاملیت غیرمستقیم و ناخودآگاه او در شناخت آنان از یکدیگر پیش از ازدواج باعث می‌گردد که با توجه به نظریات اسپواک به مرور زمان همان نقشی را ایفا کند که روشنفکران متعهد، آگاهانه به عنوان نمایندگان فرودستان به عهده می‌گیرند. این توانایی و عاملیت ویژه زین را خداوند در وجود او به ودیعه گذاشته است.

– هویت و عاملیت نعیمه، تلفیقی از زن مذهبی – نوگرا

یکی از ترفندهای حکومت‌های سرسپرده و استبدادی همچون کشور سودان حتی پس از استقلال تلاش مستمر برای محدود کردن فعالیت و عاملیت نیمی از افراد جامعه یعنی زنان است که با گسترش تعصبات جنسیتی در نظام خانوادهٔ مردسالار به این هدف نزدیک‌تر می‌شوند: «اسپواک با پرداختن به زنان مستعمره‌ای که به باور او همواره نادیده گرفته شده و صدایشان به گوش هیچ کس نرسیده است رویکردی همزمان فمینیستی و پسااستعماری را دنبال می‌کند. او مسئله زنان جهان‌سومی و زنان کشورهای استعمارزده را از دیگر زنان جدا می‌داند. چرا که باور دارد این زنان دوبار استثمار و به حاشیه رانده شده‌اند؛ یک بار به دست نظام پدرسالار خانواده و جامعهٔ خود و دیگر بار از سوی نیروی خارجی استعمار.» (شاهمیری، ۱۳۸۹: ۱۴۰-۱۳۹). «فمینیست در چارچوب پسااستعمارگری از موقعیت زنی عادی در مکانی معمولی آغاز می‌شود در حالی که موقعیت او را در ارتباط با مسائل وسیع‌تر نیز در نظر می‌گیرد تا به او بنیان نیرومندتر جمعی بودن را اعطا کند.» (یانگ، ۱۳۹۱: ۱۳۷) یکی از شخصیت‌های کلیدی داستان عرس الزین نعیمه است که صالح به نقش و هویت او در جایگاه زنی مستقل در داستان، مرکزیت بخشیده است. «انسان‌ها از جمله زنان معمولاً خود را با ویژگی‌ها و نقش‌هایی تعریف می‌کنند که از نظر خودشان ارزشمند و دارای اهمیت بیشتری است. اما خود آرمانی شخص که پایدارتر است مبتنی بر ارزش‌ها و نگرش‌هایی است که هم در هویت نقشی مسلط و هم در هویت شخصی نفوذ دارد. (ساروخانی، رفعت‌جاه، ۱۳۸۳: ۱۵۲).

حاصل چندین عامل محیطی بر هویت زنانه و شخصی نعیمه تأثیرگذار بود که از مهم‌ترین آنها می‌توان به حضور او در مدرسه ابتدایی، یادگیری و حفظ آیات قرآنی و تربیت صحیح خانوادگی اشاره نمود. تأثیر فراگیری آیات قرآنی بر نعیمه به گونه‌ای بود که وی نسبت به زنان مقدسی چون حضرت مریم همزادپنداری می‌کرد و آرمان‌های بزرگی برای آینده داشت.

«بخشش را مثل یک زن، زنی با زیبایی کم نظیر تصور می کرد که خود را وقف خدمت شوهرش کرده است. همیشه این رویا را داشت که یک روز فداکاری بزرگی می کند. گر چه نمی دانست این فداکاری چه چیز و چگونه خواهد بود. و بعد همان احساسی را تجربه می کرد که وقتی سوره مریم را می خواند.» (شجاعی فر، ۱۳۷۹: ۵۷).

نعیمه حتی به ازدواج با زین نیز می اندیشید. وقتی به زین می رسید گرمای خاصی در قلبش احساس می کرد که ممکن است یک مادر نسبت به فرزندش چنین احساسی داشته باشد. او فکر می کرد چون زین یتیم است نیاز به توجه دارد. همین افکار و ذهنیات آرمانی، نعیمه را از دیگر دختران دهکده جدا می کرد. دختران روستایی درباره ازدواج و همسر آینده شان تصوراتی خلاف واقعیت داشتند، استثمار دختران در دوران کودکی و نوجوانی که ناشی از تبعیضاتی بود که پدران و مادران در محیط مردسالارانه ی خانواده نسبت به فرزندان دختر در مقایسه با فرزندان پسر قائل می شدند، باعث می گردید که دختران دچار انفعال (کنش پذیری) تدریجی شوند و درباره همسر آینده شان ذهنیاتی خلاف واقعیت در سر بپروراند. چنانچه صالح نیز تصورات دختران روستا را درباره ازدواج به این شکل بیان می کند: «آنان می پنداشتند، که شوالیه ای در یک غروب درخشان با اسبش از راه می رسد و پشت در خانه آنها توقف خواهد کرد و آنها را از میان خانواده ربوده و با خودش خواهد برد.» (همان: ۵۹).

با این وجود، بسیاری از این دختران پس از ازدواج با مردان برتری طلب، چندهمسره و مسن به زنانی با شخصیت انفعالی تر و کنش پذیرتر تبدیل می شدند. اما آنچه مسلم است در عصر جدید بنیاد دیدگاه پسااستعماری: «با این فرض آغاز می شود که سیاست جهان سومی، بدون حضور زنان وجود ندارد و بسیاری از عناصر و اجزاء سیاست پسااستعمارگری را زنان تعیین می کنند.» (یانگ، ۱۳۹۱: ۱۳۶)

با همین فرضیه امروزه در جوامع پسااستعماری، بر اثر تقابل سنت و مدرنیته و افزایش آگاهی زنان، اندک اندک از شمار زنان منفعل و کنش پذیر کاسته شده و به ظهور زنانی با عملکردی تلفیقی افزوده گشته است. «در میان زنان مذهبی نوگرا و زنان مذهبی سنتی، دسته اول دربردارنده زنانی است که دارای یک گرایش مذهبی هستند و با در نظر گرفتن سه بعد اعتقادی، مناسکی (رفتاری) و پیامدی، دیندار به شمار می آیند، اما تحت تأثیر تحصیلات و سایر منابع فرهنگی در بنیادهای رفتاری و اعتقادی خود بازاندیشی و بازنگری می کنند و دقیقاً طبق الگوهای سنتی دینداری فکر و عمل نمی کنند. این زنان ضمن حفظ ارزش های دینی خود،

برخی از عناصر زندگی مدرن را در زندگی روزمره خود وارد کرده‌اند.» (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۱۵۷ - ۱۵۶).

نعیمه نیز با کسب هویت فردی و آرمانی که وجه تمایز او با دیگر دختران روستا محسوب می‌شد ضمن آن که براساس اعتقادات مذهبی‌اش این احساس را داشت که ازدواج هم به طور غیرمنتظره، مثل تولد و بیماری و مرگ همانطور که خداوند مقدر کرده، اتفاق خواهد افتاد و مسئولیت بزرگی را به عنوان همسر و مادر روی دوش او خواهد گذاشت، اما همچون زنان امروزی این حق را نیز برای خود قائل بود که درباره سرنوشت خویش تسلیم تقدیر نشود و آزادانه عمل کند. نعیمه در پاسخ به خواستگاران تنها یک عکس‌العمل نشان می‌داد. یعنی شانه‌هایش را بالا انداخته و می‌گفت: «من هنوز آماده ازدواج نیستم.» و پدرش دریافته بود که این حالت نعیمه: «احساس و انگیزه درونی او بود.» (شجاعی‌فر، ۱۳۷۹: ۵۹). وقتی خبر ازدواج نعیمه و زین در ده پیچید، امام جماعت به نمایندگی از طرف گروهی از مذهب‌یون روستا، به منزل پدر نعیمه (حاج ابراهیم) رفت تا مانع این وصلت که به نظرشان نامناسب بود، گردد. پس از ملاقات این مرد صاحب نفوذ با حاج ابراهیم، نعیمه در برابر مخالفت‌های امام جماعت (خود/دیگری) و در جایگاه زنی با احساس عاملیت بالا در تصمیمی ضرب‌العجل نسبت به آینده‌اش، به خانه زین رفت و در حضور مادر زین به او گفت: «روز پنجشنبه آنها، مرا به عقد تو در می‌آورند، تو و من زن و شوهر می‌شویم و ما با هم زندگی خواهیم کرد» (همان: ۱۰۳). از آنجا که: «احساس عاملیت بالا موجب می‌شود افراد احساس کنند از طریق تصمیماتشان بر زندگی خود مهار بیشتری دارند.» (فتحی، ۱۳۹۷: ۴۳۲). نعیمه نیز بزرگ‌ترین تصمیم زندگی‌اش را عملی کرد و زین را به عنوان همسر آینده‌اش برگزید تا تسلیم زورگویی امام جماعت نشود و به عنوان اولین زن کنشگر روستا، الگویی برای زنان و دختران فرودست باشد. او در میانه هویت مثبت مذهبی و مدرن به تأمل و بازنگری درباره سرنوشت خود پرداخت. و مبارزه‌ی «خود» را در برابر دیگری (امام جماعت) با پیش‌قدم شدن در انتخاب زین به عنوان همسر آینده‌اش آغاز نمود.

– نقش طبقه روشنفکر در داستان عرس الزین و تلفیق هویت فردی و اجتماعی آنان

اسپیواک معتقد است که روشنفکران بومی، با مشکلات اجتماعی سیاسی، فرهنگی و حتی مسائل خانوادگی زنان و مردان محروم جامعه خویش آشنایند. بنابراین بهتر از دیگران به رفع مشکلات فرودستان می‌پردازند. «برخی از روشنفکران به دلیل آشنایی نداشتن با مشکلات واقعی، نمی‌توانند نماینده مناسبی برای فرودستان باشند.» (مورتون، ۱۳۹۲: ۳۳۱). در داستان عرس الزین: «ده به اردوگاه‌های کاملاً مجزایی با توجه به رابطه‌شان با امام، تقسیم شده بود. (مردم ده امام را هیچ وقت به اسم صدا نمی‌کردند برای این که در نظر آنها او یک شخص نبود بلکه یک نهاد بود.)» (صالح، ۱۹۶۷: ۹۱) یکی از مهم ترین اردوگاه های مخالف با امام جماعت (به عنوان فردی مذهبی نما و بی مسئولیت) اعضای اردوگاه میانه‌روی محبوب بودند. (گروه میانه‌رو در جایگاه «ما» در تقابل با امام جماعت در جایگاه «دیگری»). اشخاصی که در این گروه مشغول فعالیت بودند، از قدرت و نفوذ زیادی برخوردار بوده و هر یک با توجه به هویت فردی خود، فعالیت‌های ویژه را به نمایندگی از طرف مردم بومی به عهده داشتند.

اما مهم‌ترین ویژگی اردوگاه محبوب هماهنگی فکری آنان بود که در نهایت به قول راوی: «همه‌شان مجموعاً یک مغز متفکر بزرگ داشتند.» (همان: ۹۸). با این حال خصوصیات متمایز از دیگر افراد گروه نیز در هر یک از آنها مشاهده می‌شد که موجب می‌گردید متناسب با آن هر یک مسئولیتی را در جهت رفع مشکلات مردم روستا به عهده گیرند، عبدالحفیظ در تعامل با روستاییان به دلیل داشتن رفتار مؤدبانه، «خبر ازدواج پسر فلان کس یا فوت پدر فلان کس را گوشزد می‌کرد و یا خبر می‌داد که فلان فرد از مسافرت برگشته و بعد همگی برای عرض تبریک و عرض تسلیت راهی می‌شدند. گاهی هم برای نماز به مسجد می‌رفت و این واقعیتی بود که از بقیه پنهان می‌کرد. طاهر روایی تندمزاج بود و به همین دلیل در موقع مبارزه سریع‌تر از بقیه از چوب و چماق استفاده می‌کرد. اما در برخورد و مباحثه با مأمورین، سعید بهترین بود و او را وکیل مدافع می‌نامیدند. حامد و رئیس، هم گوش‌های حساسی داشت و از دورترین گوشه و کنار ده اخبار را جمع‌آوری می‌کرد، در منازعات و مسائل مربوط به زنها مجموعاً مأموریت نمایندگی حل مسئله به او محول می‌شد. محبوب نیز داناترین و حيله‌گرترين آنها بود، فردی غیرقابل نفوذ و سخت که وقتی رهبری یا سرپرستی کاری را به عهده می‌گرفت، محکم و استوار در پیشبرد آن می‌کوشید. همه هیئت‌های عالی‌رتبه دولت که به منطقه می‌آمدند

او را آدم انعطاف‌ناپذیری می‌دانستند. اکثراً با او بحث و گفت‌وگو کرده و در نهایت بعضی از آنها به دلیل سختگیری‌های محبوب پیشنهاد استعفای خود را از کمیته‌های مختلف اعلام می‌نمودند.» (شجاعی فر، ۱۳۷۹: ۹۹-۱۰۰)

اگرچه «اسپیواک با تکیه بر رویکرد واسازانه خود نتیجه می‌گیرد که هویت ما [جوامع جهان سوم] فاقد مرکزیت و یکپارچگی و ذاتاً بی‌ثبات است.» (شاهمیری، ۱۳۸۹: ۲۴۱). اما صالح در مقام نویسنده‌ای روشنفکر یکی دیگر از راه‌های نجات فرودستان روستایی را عاملیت و جنبش اعضای گروه محبوب و یارانش در رسیدگی به امور خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه می‌داند که هر یک با برخورداری از هویتی منحصر به فرد، عاملیت و مسوولیتی اجتماعی را در رفع مشکلات مردم به عهده داشتند. در مجموع نیز به علت وحدت فکری، مقاومت در برابر ماموران دولتی و رفع نیازهای مردم، اردوگاهی یکپارچه و قدرتمند را اداره می‌کردند. آنها با داشتن اهداف مشترک و همفکری، عاملانی کارآمد به حساب می‌آمدند. این نهاد اجتماعی نیز با توجه به دیدگاه اسپوواک، حلقه‌ای دیگر از زنجیره‌ی به هم پیوسته‌ی جنبش‌های آزادی بخش فرودستان محسوب می‌گشتند.

– نقش هویت و عاملیت دینی – ایدئولوژیک در داستان عرس الزین

منظور از هویت دینی داشتن آن است که: «با پذیرش دین به عنوان اصلی اعتقادی و رکن رکن در زندگی، تغییرات و نتایج مهمی برای فرد مؤمن در وجوه مختلف حیات وی حاصل می‌شود، قدر متقین دین الهی و حیات دینی داشتن، زیستن در فضایی سرشار از تعالیم و آموزه‌های دینی و مملوء از تجربه‌های روحانی، فرد و جامعه را واجد شئون و احوالاتی متمایز از افراد و جامعه‌ای که در این فضا به سر نمی‌برد، می‌نماید.» (جوانی، ۱۳۸۴: ۸).

مراد از نقش دین در داستان پیش رو، دین اسلام و مراد از هویت دینی، هویت حنین، مرد عارف، دیندار و مقدسی است که وجود پربرکتش چه هنگام حیات و چه پس از مرگ، تحولات معجزه‌آسایی را در اوضاع اقتصادی، اخلاقی و فرهنگی مردم روستا به وجود آورده بود. معجزاتی که تا پیش از آن سابقه نداشت. حنین با پذیرش عمیق دین الهی اسلام هویت فردی و اجتماعی متمایز از دیگر مردم روستا داشت. او خودش را به طور کامل وقف دینش کرده بود. شش ماه را در ده به نماز و روزه می‌گذراند و شش ماه دیگر را به بیابان می‌رفت و

ناپدید می‌شد. مردم می‌گفتند: «حنین با گروهی از مردان مقدس رابطه داشته که سیار بودند و زندگیشان را وقف خدا کرده بودند.» (شجاعی‌فر، ۱۳۷۹: ۴۹). «یکی از جدیدترین نوع گونه‌های هویت دینی، هویت دینی ایدئولوژیک است که حاصل دوران معاصر است. مسلمان معتقد به ایدئولوژی اسلامی می‌کوشد تا بهشت را به عنوان مظهر یک زندگی کامل و جامعه انسانی در جهان ماده ایجاد کند. لذا به آبادانی این جهان نیز می‌پردازد. تکلیفی به غایت عظیم در خویش برای رهایی، نجات، فلاح و رستگاری خود، جامعه و بشریت احساس می‌کند و بر این باور است که همه مؤمنین به اسلام در حد وسع خویش نقش و رسالت انبیا را بر دوش دارند. طبعاً حاصل این منش به شکل تکلیف جدی در ایجاد تغییر در محیط اجتماعی و زندگی جمعی جلوه‌گر می‌شود.» (جوانی، ۱۳۸۴: ۱۵).

«حنین» نیز از جمله شخصیت‌های مهم داستان صالح است که به دلیل آن که خود را به عنوان مسلمانی معتقد به ایدئولوژی اسلامی در برابر مشکلات طبقه فرودست از جمله زین و رهایی و رستگاری مردی گمراه، فاسد و زورگو همچون سیف‌الدین متکلف می‌داند، نقش عارفی روشنفکر را در بیداری آنها ایفا می‌کند. حنین می‌کوشد بیان‌کننده دردها و رنج‌های زین باشد. او را به صحنه و مرکز داستان می‌کشاند و در احیای فطرت و هویت پاک الهی او نقش بازی می‌کند.

زین با وجود آن که در مبارزه ای غیرمستقیم، واسطه آشنایی و رساندن صدا و پیام دختران و پسران به یکدیگر در امر ازدواج می‌گردد، اما مردی ساده‌دل و فرودست است که به خاطر علاقه‌مندی به دختران روستا متحمل کارهای طاقت‌فرسا و گاه نیز تنبیه بدنی می‌گردد. دوستی حنین با زین به واقع، حمایت از او به عنوان فرودستی بی‌نماینده و ناآگاه است. حنین با دارا بودن منش و هویت دینی می‌کوشد تا تکلیف جدی خود را در رساندن زین و سیف‌الدین به «خود مطلوب» به بهترین صورت ممکن عملی کند و گویی در این راه به شکلی معجزه‌آسا از طرف خداوند حمایت می‌شود.

گفتمان‌های اخلاقی حنین با زین و دیگر دوستانش بخشی از رسالت حنین است. به ویژه هنگامی که او گرفتار دردسرهای عظیم می‌شود. در شبی استثنایی زین مثل همیشه دچار تشنج عصبی می‌شود. او با نیروی عجیب به سمت سیف‌الدین که در عروسی خواهرش با تبر بر سر او کوفته بود، حمله‌ور می‌گردد. زین در همان حال که گریبان سیف‌الدین را می‌فشرد دائماً تکرار می‌کرد: «این نره خر را خواهم کشت.» (شجاعی‌فر، ۱۳۷۹: ۶۵) مردان نیرومندی همچون

محبوب، احمد اسماعيل و طاهر رواسی که در آن صحنه هراس انگیز حضور داشتند، هر چه کردند تا در این کشمکش مرگ و زندگی، سیف الدین را نجات دهند، نتوانستند اما ناگهان صدای حنین، آرام و پر صلابت، جایگزین آن همه هیاهو و غوغا می گردد که می گوید: «الزین المبروک، الله یرضی الیک.» «زین، خدا از تو راضی باشد، رهایش کن.» (صالح، ۱۴۱۷: ۴۵) و زین به محض شنیدن صدای حنین، سیف الدین را رها کرد و بی رمق نقش زمین شد. عبدالحفیظ، نزدیکترین شخص به سیف الدین موقعی که به هوش آمد با قاطعیت می گوید: «وقتی هوا به شش هایش رسید و اولین نفس را کشید و چشم هایش را باز نمود اولین کلماتی که گفت این بود: «شهادت می دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست و محمد پیغمبر اوست.» و از آن لحظه به بعد زندگی سیف الدین با تحولی روبه رو شد که برای همه غیرمنتظره بود.» (همان: ۷۰ - ۶۹).

گفتن شهادتین از زبان سیف الدین در حقیقت تولدی دیگر و بازگشتی به فطرت پاک انسانی او بود. تصویرسازی طیب صالح از آن شب روحانی و شگفت انگیز بیانگر تأثیر صدا و عاملیت فرابشری حنین و برکت وجود قدسی او در بیداری سیف الدین و همه حاضران در آن فضای ویژه بود. در همان شب استثنایی حنین به زین بشارت داد که: «فردا تو با بهترین دختر ده ازدواج خواهی کرد» (شجاعی فر، ۱۳۷۹: ۶۷).

با توجه به تأکید اسپویاک بر نقش مؤثر روشنفکران در زندگی فرودستان، صالح نقش حنین را به عنوان روحانی روشنفکر و پیشگو آشکار می کند. پس از آن همه وحشت و هیاهو که زین بر پا کرد به یکباره جملات اثربخش و پیامبرگونه حنین، زین را نیز به فطرت پاک و خویشتن خویش بازگرداند: «تن صدایش [زین] همان خوشی طبیعی خودش را داشت، در حالی که دیگران ساکت بودند، این احساس خونسردی به آنها هم سرایت می کرد.» (همان: ۶۷) حنین با صدایی پر صلابت جلوی مغازه سعید، خطاب به آن هشت نفر (سیف الدین، زین و اعضای کمیته محبوب) چنین گفت: «خدا شما را بیامرزد، خدا ان شاء الله آمرزشش را به شما نازل کند.» (همان: ۷۹ - ۷۸). گویی حنین با بیان این جملات دعاگونه، آینده آن هشت مرد حاضر در صحنه و همه ی اهالی روستا را با پیشگویی خود، تضمین نمود. پس از آن شب به یاد ماندنی با حضور پربرکتش عاملی گشت که روستا به بهشتی بر روی زمین تبدیل شود و رفاه و آبادانی، صلح و آرامش، پیشرفت کشاورزی و اقتصاد در سطح روستا گسترده گردد. صالح در این داستان عاملیت بار و رسالت پیامبرگونه را بر دوش حنین گذارده است و پس از آن نیز

معجزه پشت معجزه در روستا رخ می دهد. چنین در داستان عرس الزین یکی از شخصیت هایی است که هویت دینی و عرفانی اش از او کنشگری استثنایی و فرابشری می سازد.

- ازدواج زین و نعیمه، تمثیلی نمادین از برقراری ارتباط اخلاقی در سیاست

مراسم ازدواج نعیمه و زین، نقطه اوج داستان عرس الزین است. بر اساس آنچه اسپوواک از آن تحت عنوان برقراری ارتباط اخلاقی در "جوامع ستم دیده" یاد می کند، برگزاری این جشن باشکوه، تمثیلی نمادین از برقراری انگاره های اخلاقی در یک مدینه فاضله ی کوچک را در برابر چشم خوانندگان مجسم می نماید. انگاره هایی همچون: دموکراسی، تساوی حقوق اجتماعی، روابط دوستانه و مسالمت آمیز.

در این اجتماع کوچک، دیگر تفاوتی میان زن و مرد، غنی و فقیر، ارباب و رعیت و مذهبی و غیرمذهبی وجود ندارد. «امام جماعت رو به مردانی که در آنجا جمع شده بودند در حالیکه همه می دانستند او مخالف این ازدواج بود گفت: آنچه را که خدا مصلحت بداند همان میشود و از خدای بزرگ خواست این ازدواج، میمون و مبارک باشد... چیزهای ضد و نقیض با هم جمع شده بودند. دخترهای آبادی های حاشیه کویر جلوی چشم امام می رقصیدند و آواز می خواندند، شیخ ها در خانه ای قرآن می خواندند، دخترها در خانه ای دیگر می زدند و می رقصیدند. ... گاهی اوقات دسته ای از زنها که می رقصیدند از محل رقص درآمده و به دایره ی مستمعین خواننده مذهبی می پیوستند. ... صداهای ضرب و دایره ی زنگی و صحبت های مذهبی که از خانه ی مجاور می آمد همه با هم مخلوط شده و سر و صدای زیادی ایجاد کرده بودند.» (شجاعی فر، ۱۳۷۹: ۱۱۰-۱۱۵)

در خاتمه ی این داستان، صالح با توصیف ازدواج باشکوه زین و نعیمه، امکان شکل گیری جامعه ای را فراهم آورده که در آن به گونه ای خاص طنین صدای همه ی شخصیت های داستان چه پایکوبی و چه نوحه خوانی، و وجود اخلاق انسانی و عدالت اجتماعی جایگزین سکوت، دشمنی و اختلاف طبقاتی — قومی، جنسیتی و دینی شده است.

- نتیجه گیری

بررسی و تحلیل داستان عرس‌الزین، اثر طیب صالح، براساس رویکردهای فرودستِ پسااستعماری اسپیواک، نشان می‌دهد که این اثر برجسته به تمرکز بر مسائل زندگی روزمره ی فرودستان و به حاشیه‌رانده‌شدگانِ روستایی متکی است. اهم این مسائل عبارتند از: انعکاس نظام مردسالاری در محیط خانواده و اجتماع؛ - استعمار روستاییان و کشاورزان توسط ملاکان و مذهبی‌نماهای داخلی - تأکید بر باورها و اعتقادات ناب دینی و مذهبی به عنوان محرک اصلی جنبش‌ها زنان و مردان روستایی تحت ستم - تمرکز بر نقش بسزای نخبگان بومی و گروه خاص فرودستان و جایگزینی صدا و عاملیت آنها به جای صدای خاموش زنان و مردان عامی فرودست و شکل‌گیری جنبش‌های آزادی بخش میان فرودستان.

صالح در سیر حوادث داستان عرس‌الزین، به واسازی سنت‌ها، و تعصباتِ پوسیده قومی و جنسیتی و پیامدهای آن بر زندگی فرودستان روستایی همت گمارده است. او با انعکاس مشکلات کشاورزان، معلولین جسمی، مشکلات مضاعف دختران و زنان در سطح جامعه و در محیط خانواده مردسالار، می‌کوشد تا تصویری واقعی و انتقادی از تأثیرات استعمار داخلی بر زندگی زنان و مردان ستم دیده ی سودان ارائه دهد. همچنین صالح با بازنمایی پیوندخوردگی هویت ویژه شخصیت‌های داستان با کنشگری آنان این فرصت را به آنان اعطا کرده تا در ایجاد تحول و تغییر در اوضاع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی محیط خود منفعل نبوده، و صدا و عاملیتشان زمینه ساز شکل‌گیری تدریجی جنبش‌های منسجم و یکپارچه ی فرودستان گردد. از جمله این فرصت‌ها می‌توان به این موارد اشاره نمود: - اعطای هویت فردی، اجتماعی به نعیمه، به عنوان زن مذهبی - نوگرا و عاملیتِ وی در اموری چون توانایی تحصیل علوم قرآنی و پیش‌قدمی و اختیار تام او در انتخاب همسر، - اعطای هویت خدادادی به زین در جایگاه واسطه و عاملی برای گفت‌وگو و شناخت دختران و پسرانِ آماده ازدواج، و اعطای هویت و عاملیت دینی عرفانی به حنین، پیشوا و پیشگوی مذهبی برای حمایت و ارشاد زین و رستگاری و نجات سیف‌الدین، (شخصیت منفی داستان) و پیشرفت معجزه‌آسای اقتصادی و اجتماعی روستا در پرتو وجود پربرکت او، - اعطای هویت و عاملیت به کمیته ای متشکل از اعضای با نفوذ به سرکردگی محبوب در بیداری و رسیدگی به امور خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی مردم روستا. صالح این روایت ادبی - تاریخی را در آستانه دوران کوتاه شکوفایی پس از استقلال کشور سودان خلق کرده است. وی در داستان عرس‌الزین به شرح رشد تدریجی

هویت دینی، فردی و اجتماعی شخصیت‌های بومی و روشنفکر داستان پرداخته و به مبارزات هر روزه و پراکنده آنان در هیبت های متفاوت آن گونه که اسپوak در نظر دارد صورتی منسجم و هدفمند اعطا کرده است. وی با توصیف هنرمندانه از مراسم ازدواج شکوهمند نعیمه و زین، می‌کوشد تا تمثیلی نمادین از برقراری ارتباط اخلاقی در جامعه آرمانی و فرضی اش ارائه دهد. فضایی پر از شور و شادی که در آن دوگانگی بی‌انعطاف خود و دیگری یعنی دوگانگی میان زن و مرد، فقیر و غنی، مذهبی و غیرمذهبی جای خود را به رابطه‌ی اخلاقی، مسالمت‌آمیز و انسانی می‌دهد.

– پی نوشت ها:

1. Gayatri Chakravorty Spivak

گایاتری چاکراورتی اسپیواک در فوریه ۱۹۴۲ در شهر کلکته متولد شد. تفکرات وی براساس تجربیات مهاجرت پسااستعماری وی از هندوستان به ایالات متحده آمریکا، به جایی که هم اکنون در آن به تدریس مشغول است، پی ریزی شده است.

2. Antonio Gramsci

۳. طیب محمد صالح احمد در سال ۱۹۲۹ در شمال سرزمین سودان و در منطقه مروی متولد شد. صالح در جوانی برای تکمیل مطالعات خود به خارطوم و سپس به انگلستان سفر نمود. بسیاری از ناقدان به او لقب «نخبه داستان سرایی عربی» داده اند. وی با وجود دوری و ترک وطن، اصالت عربی - آفریقایی و احساس عمیق دلبستگی به اماکن و اشخاص ملی و دینی را که حاصل زندگی در شمال سودان می باشد را حفظ نموده است. کتاب موسم الحجره وی یک حادثه مهم در تاریخ رمان نویسی جهان عرب به شمار می رود. داستان عرس الزین (۱۹۶۷) اثر دیگر این نویسنده، یکی از ۳ داستان مجموعه داستانی با همین نام است. این مجموعه داستانی به چندین زبان زنده جهان از جمله به زبان فارسی ترجمه شده است و در سال ۱۹۶۹ توسط خالد صدیق، کارگردان کویته اقتباس سینمایی گردید. در فستیوال کن نیز از نویسنده این اثر برجسته، قدردانی به عمل آمد.

4. Stephany Morton

5. Bill Ashcroft

6. Imaginary maps

۷. اسپیواک به طرز خلاقانه ای به بحث های اخلاقی "ژاک دریدا" مانند مسئولیت، دوستی، اینترنتیسیولسم و دموکراسی می پردازد و آنها را در زمینه فعالیت های توسعه ضدجهانی سازی در "جهان سوم" بازخوانی می نماید. او برقراری یک ارتباط اخلاقی خاص را امری غیرممکن می داند زیرا هیچ نمونه اولیه ای موجود نیست تا رویکرد اخلاقی را نشان دهد و این تجربه را ناممکن قلمداد می کند زیرا معتقد است غیرممکن است که با تمام افراد ستم دیده مثل هم رفتار کرد. با این همه اسپیواک در داستان کوتاهی نوشته مهسوتا دوی با عنوان پترو داکتیل، "پیترا و پوران ساهای" تمثیلی برای این ارتباط اخلاقی یافته است. اسپیواک با اشاره به درخواست دریدا برای خوانش دقیق، حتی در زمان اضطراب سیاسی خواستار صبورانه آموختن، آموختن از محرومان است نه سخن گفتن به جای آنان". (مورتون، ۱۳۹۲: ۷۰)

"اسپیواک در مقاله جدیدتر با عنوان "یادداشتی بر یک بین الملل تازه (۲۰۰۱)" به توصیف فعالیت های دراز مدت در برنامه های تربیت معلم برای پیشبرد سوادآموزی کودکان محروم در مدارس روستایی هند و بنگلادش می پردازد. اسپیواک با تکرار نظریه دریدا به بیان دیگر تاکید می کند که شکل گیری واقعی یک تفکر اشتراکی که توان تحول دیدگاه ها را داشته باشد مساله ای فراتر از پیروزی است و عملی بطنی و مستلزم صرف وقت بسیار است. (همان: ۷۱)

– منابع و مآخذ:

کتاب‌ها:

- اسپوak، گایاتری چاکراورتی، (۱۹۸۳.م)، «آیا فرودست می‌تواند سخن بگوید»، مترجم کریمی، ایوب، (۱۳۹۷)، چاپ اول، تهران، نشر فلات.
- جی.سی. یانگ، رابرت، (۲۰۱۱.م)، «درآمدی اجمالی بر پسااستعماری»، مترجم مدرسی، فاطمه، قادری، فرح، (۱۳۹۱)، چاپ اول، تهران، نشر تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بووار، سیمون دو، (۱۳۸۰)، «جنس دوم»، ترجمه قاسم صنعوی، تهران: توسل.
- شاهمیری، آزاده، (۱۳۸۹)، «نظریه و نقد پسااستعماری»، تهران، نشر علم.
- صالح، طیب، (۱۹۶۷.م)، «عرس الزین»، مترجم شجاعی فر، شکراله، (۱۳۷۹)، تهران، نشر آگاه.
- مورتون، استیون، (۲۰۰۱.م)، «گایاتری چاکراورتی اسپوak»، مترجم قابلی، نجمه، (۱۳۹۲)، تهران، نشر بیدگل.

مقاله‌ها:

- البرزی اوانکی، رضا. فاطمه حیدری (۱۳۹۶)، «خوانش پسااستعماری همسایه‌ها در پرتو نظرات اسپوak»، پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره ۲۲، شماره ۲، صص ۳۵۲-۳۳۷.
- باغجری، کمال. شهریار نیازی (۱۳۹۴)، «خوانش پسااستعماری رمان موسم هجرت به شمال اثر الطیب صالح»، ادب عربی، سال هفتم، شماره ۱، صص ۶۱-۸۶.
- جوانی، حجت‌اله (۱۳۸۴)، «هویت دینی یا هویت‌های دینی»، اسلام‌پژوهی، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۵۴.
- ذوالفقاری، غلامعباس. امیرعلی نجومیان (۱۳۸۹)، «درآمدی بر مطالعات فرودستان»، علمی – پژوهشی دانشگاه آزاد، شماره ۱۷، صص ۱۱۰ تا ۱۲۵.
- رضی، احمد. سمیه حجتی (۱۳۹۴)، «واکاوی جلوه‌های فرودست پسااستعماری در رمان جای خالی سلوچ»، نقد ادبی، شماره ۳۱، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، صص ۱۴۱-۱۶۶.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۵)، «معرفت و قدرت: هویت یگانه و یا چندگانگی هویتی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۱، شماره ۳، صص ۷۳-۹۸.
- ساروخانی، باقر، مریم رفعت‌جاه، (۱۳۸۳)، «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۲، صص ۱۳۳-۱۶۰.

– سن سبلی، بی بی راحیل، (۱۳۹۵)، «تحلیل مفهوم «فروست گایاتری اسپیواک در رمان مملکه الفراشه» اثر واسینی الاعرج با مطالعه موردی زنان»، *دوفصلنامه نقد ادب معاصر عرب*، سال هفتم، پانزده پیاپی، ۱۳ (۱۳۹۶).

– فتاحی، محمدرضا، (۱۳۹۷)، «نقش عاملیت انسانی، جنس و سن در ویژگی های هویتی: بزرگسال در حال ظهور آنت، روانشناسی تحولی، روانشناسان ایرانی»، سال پانزدهم، شماره ۵۷.

– قافله‌باشی، فریده‌سادات، (۱۳۹۷)، اولین همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی در دوره پیش‌دبستانی، یزد.

– محمدی، اویس و همکاران (۱۳۹۷ش). «تحلیل کارکرد «زبان و آموزش» استعمارگر در گفتمان پسااستعماری موسم الهجرة إلى الشمال بر اساس نظم‌های سه‌گانه لاکان». *انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*. دوره ۱۴. شماره ۴۷. صص ۷۹-۹۶.

References

Books:

- Spivak, Gayatri Chakravorty, (1983), "Can the Subaltern Speak", translated by Karimi, Ayoub, (2017), first edition, Tehran, Falat publishing house.
- J.C. Young, Robert, (2011), "A brief introduction to post colonialism", Modaresi translator, Fatemeh, Qaderi, Farah, (2011), first edition, Tehran, Tehran Publishing House, Institute of Human Sciences and Cultural Studies.
- De Beauvoir, Simon Do, (1949), "The second sex", translated by Qasim Sanavi, Tehran: Tavasol.
- Shahrin, Azadeh, (2008), "Postcolonial Theory and Criticism", Tehran, Alam Publishing.
- Saleh, Tayeb, (1967 AD), "Urs al-Zein", translated by Shojafar, Shokrolah, (1999), Tehran, Aghah Publishing House.
- Morton, Steven, (2001), "Gayatri Chakravorty Spivak", translator, Najmeh, (2012), Tehran, Bidgol Publishing.

Articles:

- Ablaze Avanki, Reza. Fatemeh Heydari (2016), "Post-colonial reading of neighbors in the light of Spivak's comments", World Contemporary Literature Research, Volume 22, Number 2, p. 337-352.
- Baghjri, Kamal. Shahryar Niazi (1394), "Post-colonial reading of the novel "The Season of Migration to the North" by Al-Tayeb Saleh", Arabic Literature, Year 7, Number 1, p. 61-86.
- Javani, Hojatolah (1384), "Religious Identity or Religious Identities", Islamic Studies, No. 1, p. 135-154.
- Zulfaqari, Gholam Abbas. Amir Ali Najoomian (2008), "Income on Subalterns Studies", ISC Azad University Scientific-Research, No. 17, p. 110-125.
- Razi, Ahmad. Somayeh Hojjati (2014), "Analysis of the post-colonial subjugation in the novel The Vacancy of Seluch", Literary Review, No. 31, Tarbiat Modares University Publications, p. 141-166.
- Derari, Mehdi (2008), "Knowledge and Power: Single Identity or Multiple Identity", Political Science Journal, Volume 1, Number 3, p. 73-98.
- Sarokhani, Bagher, Maryam Rafatjah, (2013), "Women and Redefining Social Identity", Iranian Journal of Sociology, Volume 5, Number 2, p. 133-160.
- San Sabli, B.B. Raheel, (2015), "Analysis of the concept of "the subjugation of Gayatri Spivak in the novel Empire of Al-Frasheh" by Vasini Al-Araj with a case study of women", two-part review of contemporary Arab literature, 7th year, 15 consecutive, 13 (2016).
- Fathi, Mohammadreza, (2017), "The role of human agency, gender and age in identity characteristics: Arendt's emerging adult", evolutionary psychology, Iranian psychologists, 15th year, number 57.
- Qafelehbashi, Farideh Sadat, (2017), the first national conference of Iranian Islamic children's identity in preschool, Yazd.
- Mohammadi, Oweis and colleagues (2017). "Analysis of the function of the colonizer's "language and education" in the post-colonial discourse of the season of migration to the north based on Lacan's triple order". Iranian Association of Arabic Language and Literature. Course 14. Number 47. p. 79-96.

دراسة مابعد الكولونية الدونية لمكونات الصوت والهوية والقوة في رواية "عرس

الزین" للطیب صالح بناءً على نظرية غاياتري سبيفاك

نوع المقالة: أصيلة

آزادة قوامي^١، أشرف جگینی^{٢*}، علیرضا قوجة زاده^٣

١. طالبة دكتوراه في اللغة الفارسية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة آزاد الإسلامية، فرع ورامين (بيشوا)، طهران، إيران.
٢. أستاذ مساعد، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة آزاد الإسلامية، فرع ورامين، (بيشوا)، طهران، إيران.
٣. أستاذ مساعد، قسم اللغة الفارسية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة آزاد الإسلامية، فرع ورامين، (بيشوا)، طهران، إيران.

الملخص

يعدّ نقد مابعد الاستعمار أحد الاتجاهات الهامة في مجال الدراسات الثقافية والأدبية. ويعتبر سبيفاك من مؤسسي نظرية ما بعد الاستعمار الدونية. وهو من خلال دراسة أساليب الاستعمار الحديث والاستغلال الداخلي وتأثيره على مجتمعات العالم الثالث، قام بتعريف أساليب الاستعمار وعواقبه وتبعاته. يعتقد سبيفاك أن نشر التحيز العرقي والجنساني وتقاليد الذكورية الراسخة والحفاظ عليه، يعدّ أحد الأساليب والممارسات الخفية والشائعة لدى المسيطرين واللوردات المحليين من أجل مواصلة هيمنتهم الواضحة على المجتمعات الضعيفة. وهو يعتبر أحد المفكرين القلائل الذين يؤكدون على أهمية وجود المثقفين في حياة الطبقات الدنيا. قام هذا البحث معتمداً على المنهج الوصفي التحليلي، بدراسة رواية عرس الزين للكاتب المحلي السوداني الطيب صالح باعتبارها نصاً ما بعد استعمارياً استناداً إلى بعض نظريات ما بعد الاستعمار لسبيفاك حول الطبقات الدنيا. روى صالح القصة في السنوات الأولى بعد استقلال السودان من نير الاحتلال البريطاني وازدهاره نسبياً، لهذا السبب، حاول البحث الحالي إثبات أن صالح، بالإضافة إلى أنه يعكس احتياجات ومشاكل المجتمع الريفي مع التأثير الإيجابي الذي يتركه الموقع التاريخي والسياسي، يصف عملية النمو التدريجي للهوية الفردية والاجتماعية للشخصيات الأصلية والمثقفين في القصة، ويحاول تصوير الدور الفعال لصوتهم وفاعليتهم في توعية وتشكيل الحركات التحررية بين مجموعات معينة من الطبقات الدنيا. وفقاً لنظريات سبيفاك، فإن تكوين تفكير مشترك لديه القدرة على إحداث تغيير في رؤية المحرومين ما يؤدي إلى إنشاء نظام أخلاقي في المجتمعات المضطهدة، هو أمر صعب ويتطلب الكثير من الوقت. في نهاية الرواية، يرى صالح، بنظرة متفائلة ومدرسة بتقديمه تعبيراً رمزياً، أنه من الممكن إقامة هذه العلاقة الأخلاقية في المجتمع الافتراضي لقرنته.

الكلمات الرئيسية: الطيب صالح، عرس الزين، سبيفاك، الصوت، الهوية، القوة.

Investigating the components of sound, identity and agency in the story of Al-Zain based on the post-colonial inferiority theories of Spivak

Article type: Research

Azadeh Ghavami¹, Ashraf Chegini^{2*}, Alireza Ghoje zadeh³

1. PhD student in Persian language and literature; Faculty of Literature and Humanities, Varamin Azad University (Pishva), Islamic Azad University, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Varamin Azad University (Pishva), Islamic Azad University, Iran

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Varamin Azad University (Pishva), Islamic Azad University, Iran

Abstract

Postcolonial critique is one of the important approaches in the field of cultural and literary studies. Spivak, the founder of the post-colonial inferiority theory, by studying the methods of neo-colonialism and internal exploitation and its impact on the societies of the third world, introduced its methods and consequences. Spivak believes that preserving and spreading hidden and open ethnic and gender traditions and prejudices in the long-standing system of patriarchy is one of the most important and common methods of domestic rulers in order to keep oppressed societies backward. Spivak is one of the few thinkers who emphasizes the importance of the presence of intellectuals in the lives of the poor. In this research, using a descriptive-analytical method, the story of Urs al-Zein, written by Tayyab Saleh, a native writer of Sudan, is examined as a post-colonial text, based on some of Spivak's ideas about inferiorities. Saleh has created and narrated the story in question on the threshold of the first years of independence and relative prosperity of the country of Sudan. For this reason, in this article, an attempt is made to prove that Saleh, in addition to reflecting the needs and problems of the rural society, is positively influenced by this historical and political situation, and describes the process of the gradual growth of the individual and social identity of the indigenous and intellectual characters of the story, and Saleh tries to depict the effective role of their voice and agency in the awakening and formation of liberation movements among the special group of Farudostan. According to Spivak's theories that the formation of a collective thinking that has the ability to transform the views of the subjugated and lead to the establishment of a moral relationship in oppressed societies is a difficult matter and requires a lot of time, Saleh ends the story with a vision, optimistic and reflective and by presenting a symbolic allegory, it makes possible the establishment of this moral relationship in the hypothetical community of his village.

Keywords: Tayeb Saleh, Urs-al-Zein, Spivak, Identity, Voice, Agency.

*Corresponding Author

ashraf-chegini@yahoo.com

